ابتکار

روزنامه صبح ایران

دوشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۴
۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۱۳ اکتبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۶۰۲۳
۱۲ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

طالبان و پاکستان تا کجا پیش خواهند رفت؟

تنش ادامه‌دار میان کابل و اسلام آباد

صفحه ۱۱

آیا پزشکیان دعوت ترامپ را می‌پذیرد؟

فرصت حضور ایران در اجلاس شرم الشیخ

روز شنبه ۱۹ مهرماه «باراک راوید» خبرنگار پایگاه خبری آکسیوس در رشته پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که وزارت امور خارجه ایالات متحده امروز دعوت‌نامه رسمی برای برگزاری نشست سران درباره غزه صادر کرده است. این نشست روز دوشنبه در شهر شرم‌الشیخ برگزار خواهد شد.

بر اساس این گزارش، آمریکا فهرست کشورهای دعوت‌شده را به‌طور قابل توجهی گسترش داده و کشورهایی از جمله اسپانیا، ژاپن، آذربایجان، ارمنستان، مجارستان، هند، السالوادور، قبرس، یونان، بحرین، کویت و کانادا را نیز به فهرست افزوده است.

باراک راوید در ادامه رشته پیام‌های خود مدعی شد که به گفته یکی از منابع مطلع، ایران نیز در میان دعوت‌شدگان قرار دارد.

بر اساس گزارش‌ها رژیم صهیونیستی در این نشست شرکت نخواهد کرد.

از طرف دیگر، یک منبع بلند پایه در گفت‌وگو با العربی الجدید تاکید کرد، تشکیلات خودگردان فلسطین به نشست شرم الشیخ درباره آتش بس غزه دعوت نشده است.

پیش از این، ریاست جمهوری مصر اعلام کرده بود که شرم الشیخ روز دوشنبه میزبان اجلاس صلح است.

براساس بیانیه ریاست جمهوری مصر، ریاست این اجلاس به طور مشترک برعهده «عبدالفتاح السیسی»، رئیس جمهور مصر و «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا قرار دارد.

در این اجلاس که هدف از آن پایان جنگ در نوار غزه و تقویت تلاش‌ها برای برقراری صلح و ثبات در خاورمیانه است، سران بیش از ۲۰ کشور حضور دارند.

شرح در صفحه ۲

چگونه دوباره انحصار به صدا و سیما بازگشت؟

عمر کوتاه ملی گرایی در رسانه ملی

صفحه ۲

سرمقاله

سعید پای بند

استیضاح، با چاشنی کارت های سیاسی

در روزهایی که کشور با چالش‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دست و پنجه نرم می‌کند، عده‌ای در پارلمان به جای تمرکز بر مشکلات واقعی مردم، در پی تسویه‌حساب‌های شخصی و سیاسی هستند. یکی از نمونه‌های برجسته این وضعیت، اقدام اخیر گروهی از نمایندگان است که به دنبال استیضاح وزرای کابینه پزشکیان هستند. این اقدام، به‌ویژه در شرایط کنونی کشور، نه تنها کمکی به حل مشکلات نمی‌کند، بلکه بیشتر به نظر می‌رسد که در پی تأمین منافع خاص این گروه و جبران شکست‌های سیاسی‌شان در انتخابات گذشته است.

این نمایندگان، از زمان شکل گیری دولت پزشکیان، خود را به عنوان یک جریان سیاسی مخالف دولت پزشکیان معرفی کرده‌اند، اکنون به‌طور واضح در حال استفاده از کارت استیضاح چهار وزیر برای اهداف سیاسی و شخصی خود هستند. به نظر می‌رسد که تمرکز اصلی این گروه، نه حل مشکلات وزارتخانه‌ها یا کشور، بلکه به دست آوردن قدرت و جبران شکست‌های انتخاباتی گذشته باشد. این جریان، با طرح استیضاح‌های همزمان برای وزرای کابینه پزشکیان، به‌طور تلویحی نشان می‌دهند که اولویت اصلی آن‌ها، نه حل بحران‌های کشور، بلکه تلاش برای تسویه‌حساب‌های شخصی با کسانی است که در ساختار دولت پزشکیان حضور دارند.

یکی از ویژگی‌های شاخص این گروه، بی‌توجهی به شرایط خاص و حساس امروز کشور است. در حالی که کشور درگیر موانع اقتصادی نظیر تورم، بیکاری ، و مسائل معیشتی است، پایدارچی‌ها بدون توجه به این مسائل، تنها به فکر تسویه‌حساب‌های سیاسی و جبران شکستی هستند که در عرصه انتخابات تجربه کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۲

محمد کاسبی درگذشت

خداحافظ راننده دوست داشتنی «خوش رکاب»

صفحه ۴

هادی چوپان نایب قهرمان مسترالمپیاشد

گرگ ایرانی، قهرمان مردمی سال ۲۰۲۵

صفحه ۵

سرمایه‌گذاران تمایل به سرمایه‌گذاری در بازارهای نقدشونده دارند

جا خوش کردن رکود در بازار مسکن!

صفحه ۱۰

خبر

پذیرش آتش‌بس، تصمیم عاقلانه گروه‌های فلسطینی در شرایط فعلی

کارشناس مسائل فلسطین با تاکید بر این که «همراهی با کشورهای منطقه در موضوع فلسطین، گامی است که ایران باید جدی بگیرد» گفت: گروه‌های مختلف فلسطینی با توجه به شرایط، تصمیم عاقلانه و درستی گرفتند و آتش‌بس را در این چارچوب قبول کردند.

«سید هادی برهانی» در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به آتش بس اعلام شده میان رژیم صهیونیستی و حماس درباره ماندگاری و استمرار این آتش بس اظهار کرد: در مقایسه با آتش‌بس‌های قبلی این آتش بس شانس بیشتری برای موفقیت دارد و احتمالا دوام خواهد داشت.

وی در بیان چرایی پایداری این آتش بس به تحولات سیاسی و اجتماعی در غزه و نیز در میان کشورهای اروپایی اشاره کرد و گفت: یکی از مهم‌ترین دلایل این است که دولت‌های غربی از ادامه تنش در غزه خسته شدند و این تنش برای آنها هزینه‌های سنگینی را به بار آورده است و به نوعی قدرت هنجاری سیاسی و اجتماعی غرب در جهان صدمه دیده است. غربی‌ها از این جهت معتبر بودند که طرفدار حقوق بشر، آزادی و صلح به حساب می‌آمدند؛ اتحادیه اروپا خودش را یک قدرت نُرم در دنیا معرفی می‌کرد و این اعتبار در جریان تجاوز اسرائیل به غزه بسیار آسیب دید. کمتر قاعده و قانونی بود که توسط اسرائیل در دو سال گذشته نقض نشده باشد تا جایی که کار رسید به نسل‌کشی و نابودی کامل غزه. اسرائیل هر چه توانست جنایت کرد و کشورهای غربی نه تنها کار زیادی برای مقابله با آن نکردند، بلکه ادامه کمک‌ها و ارسال تسلیحات را هم متوقف نکردند. البته در چند ماه اخیر چندین کشور غربی گام‌هایی در راستای مقابله با اقدامات و جنایات اسرائیل تحت فشار افکار عمومی داخلی‌شان برداشتند.

برهانی تاکید کرد: در واقع فشار افکار عمومی در کشورهای غربی که پدیده بی‌سابقه‌ای بود به حکومت‌هایشان فشار آورد و یکی یکی آنها را از اردوگاه حمایت از اسرائیل خارج کرد و در تحولات مختلف این را دیدیم از جمله به رسمیت شناختن فلسطین توسط کشورهای غربی در سازمان ملل. این تحولات در جهان غرب برای اسرائیل خطرناک بود و اسرائیل با این شرایط و نیز شرایط متشنج داخلی شانس ادامه جنگ و تجاوز را نداشت، به علاوه اینکه ادامه این شرایط می‌توانست کل غرب را از پشتیبانی اسرائیل دور کند.

گروه‌های مختلف فلسطینی با توجه به شرایط، تصمیم عاقلانه و درستی گرفتند

این کارشناس مسائل منطقه درباره رویکرد گروه‌های مختلف فلسطینی به آتش‌بس اعلام شده، اظهار کرد: به نظر می‌رسد گروه‌های مختلف فلسطینی با توجه به شرایط، تصمیم عاقلانه و درستی گرفتند و آتش‌بس را در این چارچوب قبول کردند. یک بخش مهم این داستان این است که ملت فلسطین در غزه در حال نابودی است و هر روز ده‌ها نفر در نوار غزه در حال کشته شدن هستند؛ به علاوه گرسنگی و آوارگی هم تشدید شده است و باید فرصتی برای پایان دادن به این شرایط ایجاد می‌شد. به نظرم گروه‌های فلسطینی به خوبی توانستند از فرصت ایجاد شده با طرح ترامپ استفاده کنند. در عین حال مواضع خودشان را حفظ کردند به ویژه در رابطه با خلع سلاح و آینده فلسطین و نوار غزه، امتیازات را به نحوی قابل توجه دریافت کردند، البته مذاکرات مربوط به آینده غزه و فلسطین هنوز ادامه دارد و ممکن است در آینده شاهد تحولات مختلف دیگری باشیم.

نشست شرم‌الشیخ یک مراسم نمایشی و نمادین است

برهانی درباره نشست روز دوشنبه در شرم‌الشیخ بر سر غزه در سطح سران کشورهای منطقه و آمریکا گفت: نشست شرم‌الشیخ یک تحول دیپلماتیک و مراسم نمایشی و نمادین است تا اینکه مذاکرات فنی و سیاسی بخواهد درباره روند اجرای آتش‌بس باشد. طرفین مذاکره‌کننده اسرائیلی و حماس هم در این نشست حضور ندارند. بیشتر جشنی است برای اینکه رسیدن به آتش‌بس در آن اعلام شود که ترامپ این را خیلی دوست دارد و می‌خواهد از این فرصت استفاده کند و خود را پادشاه و اسطوره صلح و آتش‌بس معرفی کند و از این فرصت برای تقویب پرستیژ صلح‌طلبی خودش استفاده کند.

وی تاکید کرد: البته این فرصت مناسبی است تا رهبران کشورهای منطقه آنجا حاضر شوند و با ترامپ ملاقات‌هایی داشته باشند و آمریکا را ترغیب کنند که مراقب آتش‌بس باشد تا اسرائیل آن را نقض نکند.

بررسی مصادر ساختمان شرکت ملی نفت ایران در لندن در پرونده کرسنت

درس بزرگ پرونده کرسنت برای تهران

۲ اکتبر ۲۰۲۵، دیوان عالی انگلیس رأی نهایی را در پرونده شرکت نفت کرسنت علیه شرکت ملی نفت ایران (NIOC) صادر کرد و اجازه مصادره اموال وزارت نفت ایران در انگلیس، از جمله ملک ارزشمند در لندن، را برای پرداخت ۲.۶ میلیارد دلار غرامت تأیید نمود. این رأی، که پس از ۱۵ سال اختلاف بر سر قرارداد گاز ۲۰۰۱ است، شرکت نفت کرسنت، شرکت اماراتی، را پیروز اعلام کرد و ایران را به پرداخت محکوم نمود. این گزارش، سرانجام پرونده را بررسی کرده و پیامدهای آن را تحلیل می‌کند.

رسول سلیمی در خبرآنلاین می نویسد: قرارداد گازی ۲۰۰۱ میان شرکت نفت کرسنت، شرکت اماراتی، و شرکت ملی نفت ایران (NIOC)، که قرار بود روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز از میدان سلمان به ابوظبی صادر شود، از سال ۲۰۰۵ با ادعای کرسنت مبنی بر نقض قرارداد توسط ایران (عدم تأمین گاز) به داوری کشیده شد. دیوان عالی انگلیس، در رأی ۲ اکتبر ۲۰۲۵، رأی دیوان داوری لندن (پرونده شماره ۲۰۰۹-۲۰) را تأیید کرد و ایران را به پرداخت ۲.۶ میلیارد دلار غرامت محکوم نمود، که اجرای آن شامل مصادره اموال شرکت ملی نفت ایران در انگلیس، از جمله ملک تجاری در لندن به ارزش ۱۰۰ میلیون پوند، می‌شود. این رأی، پس از ۱۵ سال (از ثبت در ۲۰۰۹)، ایران را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار داد، جایی که عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، آن را «غیرعادلانه و سیاسی» خواند و گفت: «ایران از همه ابزارهای حقوقی برای دفاع استفاده می‌کند.»

سرانجام پرونده کرسنت: از قرارداد ۲۰۰۱ تا رأی دیوان عالی انگلیس

پرونده شرکت نفت کرسنت علیه شرکت ملی نفت ایران، که در ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۱ با قرارداد گاز میدان سلمان (۲۵ ساله، روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب) آغاز شد، از سال ۲۰۰۵ با ادعای کرسنت مبنی بر نقض قرارداد توسط ایران (عدم تأمین گاز به دلیل تحریم‌ها و اختلافات فنی) به داوری لندن (پرونده شماره ۲۰۰۹-۲۰) کشیده شد. دیوان داوری، در سال ۲۰۱۴، ایران را به پرداخت ۲.۶ میلیارد دلار غرامت محکوم کرد، اما ایران آن را «غیرقانونی» خواند و به دیوان عالی انگلیس اعتراض برد. در ۲ اکتبر ۲۰۲۵، دیوان عالی رأی را تأیید کرد و اجرای آن را الزامی دانست، که شامل مصادره اموال شرکت ملی نفت ایران در انگلیس (ملک تجاری در لندن به ارزش ۱۰۰ میلیون پوند) می‌شود. کرسنت، آن را «پیروزی عدالت» خواند و گفت: «ایران باید تعهداتش را بپردازد.» ایران نیز، از طریق وزارت نفت، اعلام کرد: «رأی سیاسی است و ما از همه ابزارها برای دفاع استفاده می‌کنیم.»

سرانجام پرونده کرسنت در دیوان عالی انگلیس (۲ اکتبر ۲۰۲۵) بر قوانین داوری لندن، که تحت چارچوب کمیسیون تجارت سازمان ملل متحد (UNCITRAL) تنظیم شده، استوار است. این قوانین، قرارداد ۲۰۰۱ میان شرکت نفت کرسنت و شرکت ملی نفت ایران (NIOC) را به عنوان یک تعهد حقوقی الزام‌آور تلقی کرده و ایران را به دلیل "نقض قرارداد" (عدم تأمین گاز میدان سلمان) به پرداخت ۲.۶ میلیارد دلار غرامت محکوم نمودند. این چارچوب، که بر اصل بی‌طرفی داوری تأکید دارد، ایران را به عنوان «طرف قرارداد» مقید می‌کند و اجرای رأی، شامل مصادره ملک تجاری NIOC در لندن (۱۰۰ میلیون پوند)، را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. با این حال، مؤسسه بروکینگز این فرآیند را به دلیل «سوگیری غربی» مورد نقد قرار می‌دهد، زیرا تحریم‌های آمریکا (از ۲۰۰۵) که مانع اجرای قرارداد شدند، در داوری نادیده گرفته شد.

این سوگیری، به گفته تهران تایمز (۵ اکتبر ۲۰۲۵)، «ناعادلانه» است، زیرا شرایط ژئوپلیتیک (تحریم‌ها) را از معادله خارج کرد. نهادهای داوری بین‌المللی، مانند دیوان داوری لندن، به عنوان نگهبانان قراردادهای تجاری عمل می‌کنند، اما وابستگی آنها به نظام حقوقی غربی، به‌ویژه در پرونده‌هایی با کشورهای تحت تحریم، مشروعیتشان را زیر سؤال می‌برد. گزارش شورای روابط خارجی نیز تأکید می‌کند که قوانین UNCITRAL، اگرچه جهانی به نظر می‌رسند، در عمل به نفع اقتصادهای غربی عمل می‌کنند، زیرا کشورهای در حال توسعه (مانند ایران) اغلب فاقد منابع حقوقی برای رقابت در این میدان هستند. این چارچوب، با تأکید بر اجرای قرارداد، به کرسنت اجازه داد تا با استناد به نقض تعهدات، غرامت را تضمین کند، اما نقش تحریم‌ها (که بنا به ادعای ایران، آن را از تأمین گاز بازداشت) را نادیده گرفت.

پیامدهای حقوقی: اجرا و مصادره اموال

پیامد حقوقی رأی دیوان عالی، اجرای فوری غرامت ۲.۶ میلیارد دلاری و مصادره اموال شرکت ملی نفت ایران در انگلیس است، که کرسنت در ۳ اکتبر درخواست اجرای آن را داد. ملک تجاری شرکت ملی نفت ایران در لندن (۱۰۰ میلیون پوند) اولین هدف است، و دیوان مهلت ۳۰ روزه برای تجدیدنظر داد. ایران، از طریق وزارت دادگستری، گفت: «رأی سیاسی است و ما درخواست تجدیدنظر می‌کنیم.»

شرکت نفت کرسنت با انتخاب داوری لندن (محل کم‌ریسک برای شرکت‌های غربی) و محاسبه «ریسک پایین»، پیروزی در پرونده را تضمین کرد. این تصمیم، که بر اساس قوانین UNCITRAL و حمایت ضمنی غرب بود، به کرسنت اجازه داد تا غرامت ۲.۶ میلیارد دلاری و مصادره اموال NIOC را به دست آورد. این محاسبه عقلانی، که ریسک حقوقی و سیاسی ایران را بالا می‌برد، قراردادهای آینده ایران را به «داوری‌های امن» (مانند سنگاپور یا دوبی) محدود می‌کند، که هزینه‌های داوری را تا ۲۰ درصد افزایش می‌دهد. ایران، از منظر عقلانی، با اعتراض به رأی (مهلت ۳۰ روزه) زمان خرید، اما شانس موفقیت آن کم است، زیرا داوری لندن به نفع کرسنت سوگیری دارد. این رأی، به گفته فایننشال تایمز، «درس برای تهران» است تا در قراردادهای آینده، بندهای محافظتی (مانند معافیت تحریم) را بگنجاند. از سوی دیگر، کرسنت با این پیروزی، جایگاه خود را در بازار گاز تقویت کرد و به شریکی قابل اعتماد برای غرب تبدیل شد.

پیامدهای اقتصادی: تأثیر بر درآمدهای نفتی و قراردادهای انرژی

پیامد اقتصادی رأی، کاهش ۱۰ درصدی درآمدهای شرکت ملی نفت ایران و ریسک قراردادهای آینده است، که روزنامه وال استریت ژورنال «ضربه به بودجه ۱۴۰۴» می‌خواند. غرامت ۲.۶ میلیارد دلار، معادل ۱۰ درصد درآمد نفتی سالانه (۳۸ میلیارد یورو، صندوق بین‌المللی پول، اوت ۲۰۲۵)، شرکت ملی نفت ایران را به «بحران نقدینگی» می‌کشاند.

از منظر اقتصادی، رأی دیوان عالی انگلیس علیه ایران در پرونده کرسنت، با محکومیت به پرداخت ۲.۶ میلیارد دلار غرامت، ضربه‌ای سنگین به بودجه انرژی ایران وارد کرد. این مبلغ، معادل ۱۰ درصد درآمد نفتی سالانه ایران (۳۸ میلیارد یورو، صندوق بین‌المللی پول، اوت ۲۰۲۵)، نقدینگی شرکت ملی نفت ایران (NIOC) را به شدت کاهش می‌دهد. مصادره ملک تجاری در لندن (۱۰۰ میلیون پوند) این بحران را تشدید می‌کند، زیرا دارایی‌های فیزیکی NIOC در خارج از کشور را هدف قرار می‌دهد. این کاهش درآمد، در شرایط تحریم‌های موجود، توانایی ایران برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی (مانند میدان گازی پارس جنوبی) را محدود می‌کند، که به گفته صندوق بین‌المللی پول (اوت ۲۰۲۵)، رشد اقتصادی ایران را تا ۲ درصد کاهش می‌دهد.

با این حال، شبکه الجزیره این رأی را «فرصتی برای اصلاح قراردادهای انرژی» می‌بیند، زیرا ایران می‌تواند از این تجربه برای تنظیم قراردادهای آینده با شروط محافظتی (مانند بندهای تحریم) استفاده کند. این دیدگاه خوش‌بینانه، به کاهش وابستگی به داوری‌های غربی و تقویت قراردادهای دوجانبه با شرکای شرقی (مانند چین) تأکید دارد. برای مثال، قرارداد ۲۵ ساله ایران-چین (۲۰۲۱) می‌تواند الگویی برای قراردادهای مقاوم در برابر تحریم باشد. اما روزنامه فایننشال تایمز (۲ اکتبر ۲۰۲۵) هشدار می‌دهد که مصادره دارایی‌ها، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را تا ۳۰ درصد کاهش می‌دهد، زیرا شرکت‌های بین‌المللی، مانند توتال، از ریسک داوری در لندن هراس دارند.

از منظر اقتصادی، این رأی نه تنها بودجه جاری را تحت فشار قرار می‌دهد، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران به ایران را تضعیف می‌کند. شورای روابط خارجی این را «بحران اعتبار» می‌خواند، که ایران را به سمت بازارهای غیرغربی (چین، هند) سوق می‌دهد. اما این تغییر، با چالش‌هایی مانند کاهش قیمت گاز (به دلیل رقابت چین) همراه است، که درآمدهای صادراتی را تا ۵ درصد کاهش می‌دهد. در مقابل، اصلاح قراردادها می‌تواند ایران را به سمت خودکفایی در فناوری گاز (مانند LNG) هدایت کند، اما این نیازمند سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری است که در شرایط کنونی بعید به نظر می‌رسد. در نهایت، رأی کرسنت، اگرچه ضربه‌ای مالی است، می‌تواند به بازنگری استراتژیک در سیاست‌های انرژی ایران منجر شود، مشروط بر اینکه ایران از وابستگی به نهادهای غربی فاصله بگیرد و شرکای جدیدی پیدا کند.

پیامدهای سیاسی: انزوای دیپلماتیک و روابط با شورای همکاری خلیج فارس

پیامد سیاسی رأی، انزوای دیپلماتیک ایران و تقویت جایگاه امارات در شورای همکاری خلیج فارس است، که ایران، با محکومیت، روابط با شورای همکاری خلیج فارس را تیره کرد. همچنین رأی کرسنت توازن قدرت در خاورمیانه را به نفع امارات تغییر داد و ایران را در شورای همکاری خلیج فارس (GCC) منزوی‌تر کرد. این در حالی است که این موضوع از سوی غربی ها، "پیروزی دیپلماتیک ابوظبی" ارزیابی می شود، زیرا امارات با حمایت داوری لندن، نه تنها غرامت ۲.۶ میلیارد دلاری را تضمین کرد، بلکه جایگاه خود را به عنوان شریک قابل اعتماد غرب تقویت نمود.این رأی، ایران را به عنوان یک بازیگر "غیرقابل اعتماد" در قراردادهای بین‌المللی معرفی کرد، که روابطش با GCC را تا ۳۰ درصد تیره‌تر می‌کند.به عبارت دیگر، قدرت‌های غربی، از طریق نهادهای داوری، هژمونی خود را اعمال می‌کنند. رأی کرسنت، با حمایت ضمنی آمریکا (تحریم‌ها و فشار روبیو)، ایران را به حاشیه راند و امارات را به عنوان متحد کلیدی در منطقه تقویت کرد.

پیامدهای استراتژیک: ریسک قراردادهای انرژی و داوری‌های آینده

پیامد استراتژیک رأی، افزایش ریسک قراردادهای انرژی و داوری‌های آینده است، که روزنامه فایننشال تایمز "درس برای تهران" می‌خواند. ایران، با محکومیت، قراردادهای گاز را «ریسکی» می‌کند؛ شبکه الجزیره «انزوا در بازار» توصیف می‌کند.

در مقابل، انگیزه‌های شخصی بازیگران کلیدی، پرونده کرسنت را طولانی و پیچیده کرد. مدیرعامل کرسنت، با انگیزه حفظ شهرت شرکت و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران غربی، داوری را با جدیت پیگیری کرد. این انگیزه، که ریشه در منافع تجاری و اعتبار شخصی داشت، کرسنت را به پیروزی ۲.۶ میلیارد دلاری رساند. این انگیزه، که گاردین آن را «سیاست شخصی» می‌خواند، رأی را به ابزاری برای فشار سیاسی تبدیل کرد. این چارچوب نشان می‌دهد که تصمیمات فردی (الحوسینی، روبیو) بیش از نهادها، نتیجه را شکل دادند. ایران، با فقدان استراتژی حقوقی منسجم، نتوانست انگیزه‌های شخصی را خنثی کند، که به گفته تهران تایمز، "ناعادلانه" بود.

از منظر عقلانی، با اعتراض به رأی (مهلت ۳۰ روزه) زمان خرید، اما شانس موفقیت آن کم است، زیرا داوری لندن به نفع کرسنت سوگیری دارد. این رأی، به گفته فایننشال تایمز، "درس برای تهران" است تا در قراردادهای آینده، بندهای محافظتی (مانند معافیت تحریم) را بگنجاند. از سوی دیگر، کرسنت با این پیروزی، جایگاه خود را در بازار گاز تقویت کرد و به شریکی قابل اعتماد برای غرب تبدیل شد.این چارچوب نشان می‌دهد که ایران، با نادیده گرفتن ریسک‌های داوری غربی، در موضع ضعف قرار گرفت.